

خلاصه بحث

در مورد ابتدای وقت نماز عشاء بین اصحاب اختلاف واقع شده است.

مشهور قائل هستند که هنگام غروب شرعی تا سه رکعت وقت اختصاصی نماز مغرب است و بلافاصله پس از اقامه نماز مغرب می توان نماز عشاء را اقامه کرد. ولی شیخ مفید و شیخ طوسی و برخی از علماء قائل هستند که وقت نماز عشاء از زمانی آغاز می شود که حمزه مغربیه از بین برود و اقامه نماز عشاء قبل از ذهاب حمزه مغربیه جایز نیست.

ابتدای وقت نماز عشاء

وقت نماز مغرب و عشاء طبق قول مشهور از اول غروب شرعی آغاز می شود و تا نیمه شب ادامه دارد.

مراد از غروب شرعی را در جلسات گذشته بیان کردیم و گفتیم که وقتی قرص خورشید مستتر شود، و حمزه مشرقیه از بالای سر رد بشود وقت نماز مغرب می شود.

وقت اختصاصی نماز مغرب طبق قول مشهور از غروب شرعی آغاز می شود و مدت زمانی است که بتوان یک نماز سه رکعتی را اقامه کرد. وقت اختصاصی نماز عشاء نیز به مقدار چهار رکعت مانده به نیمه شب است. و بین این دو وقت، به عنوان وقت مشترک برای نماز مغرب و عشاء است.

بنابراین طبق قول مشهور، اگر کسی همان ابتدای غروب شرعی نماز مغرب را بخواند، بلافاصله پس از آن می تواند نماز عشاء را بجا بیاورد.

این قول مشهور است، ولی شیخ مفید و شیخ طوسی با این فتوا مخالفت کرده و قائل شده اند که آغاز زمان نماز عشاء بعد از ذهاب حمزه مغربیه است و اقامه نماز عشاء قبل از آن جایز نیست.

این قول غیر مشهور را به سلار و ابن عقیل و سید مرتضی نیز نسبت داده اند.

البته برخی از کسانی که قائل به این قول هستند، تقدیم نماز عشاء بر ذهاب حمزه مغربیه را در صورت عذر جایز می دانند.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۷

صاحب ریاض پس از آنکه قول مشهور و قول مخالف مشهور را بیان کرده است، فرموده که وقتی کسانی مثل شیخ مفید و شیخ طوسی قائل به این قول هستند، بنابراین لااقل باید قائل به کراهت تقدیم نماز عشاء بر ذهاب حمزه مغربیه شد.

به نظر ما این حرف صحیح نیست، و به خاطر فتوای برخی اصحاب نمی توان قائل به کراهت شد. البته ممکن است کسی به خاطر جمع بین نصوص قائل به کراهت بشود، ولی مخالفت نکردن با فتوای برخی اصحاب نمی تواند دلیل بر کراهت باشد.

به هر حال به نظر ما نه تنها تقدیم نماز عشاء مکروه نیست، بلکه استحباب دارد، چون در روایات آمده است که افضل اوقات برای فریضه، اول وقت است. بنابراین به نظر ما بهترین وقت برای خواندن نماز عشاء، برای کسی که نافله مغرب را نمی خواند بلافاصله بعد از نماز مغرب، و برای کسی که نافله می خواند پس از نماز مغرب و نوافل آن است.

این در مورد وقت افضل بود. اما اگر کسی نماز عشاء را در این وقت افضل نخواند، نوبت به وقت فضیلت می رسد که همان ذهاب حمزه مغربیه است، یعنی اگر نماز عشاء را به هر دلیلی تا قبل از ذهاب حمزه مغربیه نخواند، لااقل هنگام ذهاب بخواند.

پایان وقت نماز عشاء نیز هنگام نیمه شب شرعی است، و برای پایان وقت فضیلت نماز عشاء حدی را معین نکرده اند.

ظاهر از نص و فتوا این است که وقت فضیلت نماز عشاء به صورت الاولى فالاولی محاسبه می شود، یعنی هرچقدر به ذهاب حمزه مغربیه نزدیکتر باشد فضیلتش بیشتر است و هرچقدر از ذهاب حمزه مغربیه دور بشود و به نیمه شب نزدیکتر بشود فضیلتش کمتر می شود.

عبارت ریاض این است:

«ثمَّ يدخل وقت المغرب، فإذا مضى مقدار أدائها على الوجه الذي مضى اشتراك الفرضان، والمغرب مقدمة على العشاء إلا في صورة الاستثناء حتى يبقى لانتصاف الليل مقدار أداء العشاء بالنحو الذي مضى فيختص به.

و إذا طلع الفجر الثاني و هو المعترض المستطير في الأفق، و يسمّى الصادق لأنه صدقك عن الصبح، و يسمّى الأول الكاذب لأنه ينمحي بعد ظهوره و يزول ضوؤه دخل وقت صلاته ممتداً حتى تطلع الشمس.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۷

و على هذه الجملة كثير من القدماء و المتأخرون كافة فيما أجده، و في السرائر الإجماع عليه»^۱.

مراد ایشان از «إلا في صورة الاستثناء» این است که کسی نماز مغرب را نخواند تا زمانی که فقط به اندازه چهار رکعت تا نیمه شب باقی بماند، که در این صورت دیگر نباید مغرب را بخواند، بلکه باید نماز عشاء را در وقتش بجا بیاورد و نماز مغرب را قضا نماید.

سپس صاحب ریاض در جای دیگر فرموده است:

«قيل و القائل الشيخان و جماعة: إنه لا يدخل وقت العشاء حتى تذهب الحمرة المغربية و لا يجوز أن تصلى قبله إلا مع العذر فيجوز حينئذ كما هو ظاهر بعضهم، و أطلق بعضهم المنع عن الصلاة قبله من دون استثناء.

و قد مرّ في أواخر مواقيت الفرائض ما يصلح مستندا لهم مطلقا و أنّ الأشهر الأظهر جواز التقديم مطلقا و لو اختيارا لكن مع الكراهة خروجاً عن الشبهة الناشئة من اختلاف الفتوى و الرواية، و إن كان الأظهر حمل المانعة منها على التقيّة، لكونه مذهب الجمهور كافة كما عرفت»^۲.

قول شیخان و جماعتی این است که تا ذهاب حمرة مغربیه نشده است اقامه نماز عشاء جایز نیست.

ظاهر عبارت برخی از قائلین به این قول این است که معذورین می توانند نماز عشاء را قبل از ذهاب حمرة مغربیه بخوانند، ولی برخی از آنها به صورت مطلق مانع شده اند و معذورین را استثناء نکرده اند، یعنی اقامه نماز عشاء قبل از ذهاب حمرة مغربیه را حتی برای معذورین هم جایز ندانسته اند.

صاحب ریاض به خاطر شبهه ای که از اختلاف فتوا و روایت ناشی شده، قائل به کراهت شده است.

عرض کردیم که به نظر ما اختلاف فتوا نمی تواند دلیل بر کراهت باشد.

در مورد روایات هم، همانطور که خود ایشان فرموده اند این دسته از روایات که نماز عشاء قبل از ذهاب حمرة مغربیه را نفی کرده اند مطابق با قول عامه هستند و حمل بر تقيه می شوند، چون همه اهل عامه قائل هستند که اقامه نماز عشاء قبل از

^۱ ریاض المسائل في تحقیق الأحكام بالدلائل، الطباطبائي، السيد علي، ج ۲، ص ۱۷۲.

^۲ ریاض المسائل في تحقیق الأحكام بالدلائل، الطباطبائي، السيد علي، ج ۲، ص ۲۱۷.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۷

ذهاب حمره مغریه جایز نیست. بنابراین باید این روایات را حمل بر تقیه کرد، و بعد از حمل بر تقیه، دیگر نمی توان بر اساس این روایات قائل به کراهت شد.

بنابراین، قول به کراهت تقدیم نماز عشاء بر ذهاب حمره مغریه وجهی ندارد. و نه تنها تقدیم نماز عشاء بر ذهاب حمره مغریه کراهت ندارد، بلکه افضل است، چون نصوص مستفیضه داریم که بهترین وقت برای اقامه نماز فریضه، اول وقت است. که این بحث را در آینده به صورت مفصل هنگام بحث از وقت نماز ظهر، مطرح کرده و ادله آنرا ذکر خواهیم کرد.

این کلام ریاض بود.

صاحب حدائق نیز فرموده است:

«المشهور بین الأصحاب (رضوان الله علیهم) ان أول وقت العشاء إذا مضى من غروب الشمس قدر ثلاث ركعات و اليه ذهب السيد المرتضى و الشيخ في الاستبصار و الجمل و ابن بابويه و ابن الجنید و أبو الصلاح و ابن البراج و ابن زهرة و ابن إدريس و من تأخر عنه، و نسبه العلامة في المنتهى الى ابن ابي عقيل ايضا مع انه في المختلف نسب اليه القول الآتي، و قال الشيخان أول وقتها غيبوبة الشفق و نسبه في المختلف الى ابن ابي عقيل و سار، و هو أحد قولي المرتضى على ما نقله بعض الأصحاب أيضا».^۳

ایشان نیز این دو قول را بیان کرده و قائلین هر کدام را نیز ذکر کرده است.

صاحب جواهر نیز فرموده است:

«إذا غربت الشمس دخل وقت المغرب، و تختص من أوله بمقدار ثلاث ركعات إن كان المكلف جامعاً لجميع الشرائط، و إلا اختص بمقدارها مع الركعات ثم يشاركها العشاء حتى ينتصف الليل».^۴

مراد ایشان از «جامعاً لجميع الشرائط» این است که شرایط تکلیف را دارا باشد و معذور نباشد.

ایشان تعبیر «مع الركعات» فرموده است، ولی بهتر بود که از تعبیر «من الركعات» استفاده می کردند.

^۳ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، البحراني، الشيخ يوسف، ج ۶، ص ۱۸۹.

^۴ جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ۷، ص ۹۴.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۷

به هر حال مقصود ایشان روشن است که اگر کسی معذور است، به مقداری که شرایط او اقتضاء می کند همان مقدار از رکعات را می خواند.

و پس از این سه رکعت، وقت مشترک مغرب و عشاء آغاز می شود.

ایشان در جای دیگر فرموده اند:

«و أما العشاء فقد مر فيما سبق ما يدل على دخول وقته قبل ذهاب الشفق المغربي، و عدم اعتباره فيه، سواء قلنا بالاشتراك أو بالاختصاص، بل أدلة الطرفين من تلك حجة على من اعتبره فيه، مضافا إلى ما سمعته سابقا من المختلف و إلى إجماعي الغنية و السرائر كما حكى عن ثانيهما المؤيدين بالشهرة العظيمة، بل هي إجماع من المتأخرين، بل لعله كذلك عند المتقدمين أيضا، بناء على ما سمعته في الظهرين من تعبيرهم عن الاستحباب المؤكد بالوجوب، و إن حكوه هنا عن الشيخين و سلا بل و الحسن في أحد النقلين، بل في خلاف ثاني الشيخين الإجماع عليه لكن في غير المعذور فيقدم، كما حكى عن الشيخين منهم التصريح به»^۵.

ایشان قائل هستند که وقت نماز عشاء بلافاصله پس از مغرب و قبل از ذهاب حمرة مغربیه آغاز می شود.

مراد از «عدم اعتبار» این است که برای مشروعیت اقامه نماز عشاء نیاز به ذهاب حمرة مغربیه نیست.

ایشان می فرماید که فرقی ندارد که قائل به اشتراک باشیم یا قائل به اختصاص باشیم، در هر صورت نماز عشاء قبل از ذهاب حمرة مغربیه مشروع است.

شیخان قائل هستند که تا قبل از ذهاب حمرة مغربیه وقت اختصاصی نماز مغرب است و خواندن نماز عشاء جایز نیست.

صاحب جواهر می فرماید حتی اگر قائل به اختصاص وقت به نماز مغرب باشیم باز هم خواندن نماز عشاء قبل از ذهاب حمرة مغربیه جایز است، چون حتی اگر قائل به اختصاص هم باشیم باید این اختصاص را حمل بر وقت فضیلت کنیم.

به عبارت دیگر باید قائل بشویم که این اختصاص، در اصل جواز نیست، بلکه اختصاص در وقت فضیلت است.

^۵ جواهر الکلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۷، ص ۱۵۳.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۷

ولی شیخان این اختصاص را مربوط به اصل جواز می دانند.

عبارت «بل أدلة الطرفين من تلك...» به این معناست که قائلین به این قول، به دو روایت صحیح تمسک کرده اند و گفته اند که نماز عشاء قبل از ذهاب حمرة مغربیه مشروع نیست، ولی ما این دو روایت را بر خلاف مدعای قائلین به این قول می دانیم، چون این روایات را حمل بر وقت اختصاصی فضیلت می کنیم.

تعبیر «في خلاف ثاني الشيخين» یعنی در کتاب خلاف دومین شیخ از شیخین یعنی شیخ طوسی ادعای اجماع بر عدم جواز تقدم نماز عشاء بر ذهاب حمرة مغربیه شده است، منتهی این حرف مربوط به غیر معذور است، ولی اگر کسی معذور باشد می تواند نمازش را مقدم کند.

شیخ انصاری هم همان حرف مشهور را بیان می کند و حرف شیخان را قبول ندارد.

در مجموع، چنین اختلافی بین فقهاء وجود دارد، و دلیل این اختلاف هم، اختلاف روایات است.

نصوص

دو طایفه روایت داریم که یک طایفه دلالت بر همان قول مشهور دارند. و طایفه دوم نیز دو صحیح است که قول شیخان را بیان کرده اند.

طایفه اول

صحیح زراره

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ الْوَقْتَانِ الظُّهْرُ وَالْعَصْرُ فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ الْوَقْتَانِ الْمَغْرِبُ وَالْعِشَاءُ الْآخِرَةُ»^۶.

^۶ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۳۴، أبواب المواقيت، باب ۱۷، ح ۱، ط الإسلامیة.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۹/۱۷

این روایت اطلاق دارد، به نحوی که حتی شامل جایی که نماز عشاء قبل از نماز مغرب خوانده شود نیز می شود، ولی روایات صریحی داریم که می گویند باید نماز مغرب قبل از نماز عشاء باشد، که با این روایات، اطلاق این صحیح زراره را تقیید می زنیم.

معتبره عبید بن زراره

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُزُوءَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ دَحَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ».^۷

این روایت هم وقت نماز مغرب و عشاء را از هنگام غروب شرعی می داند، ولی رعایت ترتیب بین مغرب و عشاء را لازم می داند، بنابراین با خود این روایت هم می توان اطلاق روایت اول را تقیید زد.

صحیح ابی عبیده

وَبِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ يَعْنَى ابْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَانَتْ لَيْلَةٌ مُظْلِمَةٌ وَرِيحٌ وَمَطَرٌ صَلَّى الْمَغْرِبَ ثُمَّ مَكَثَ قَدْرَ مَا يَتَنَفَّلُ النَّاسُ ثُمَّ أَقَامَ مُؤَدِّئَهُ ثُمَّ صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ ثُمَّ انْصَرَفُوا».^۸

شیخ به این روایت استدلال کرده و فرموده که معذورین می توانند نماز عشاء را قبل از ذهاب حمرة مغریه بخوانند، ولی غیر معذورین باید صبر کنند تا حمرة مغریه از بین برود و سپس نماز عشاء را اقامه کنند.

عرض ما این است که ما روایت دیگری داریم که دلالت دارد بر اینکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدون علت و عذر نیز نماز عشاء را قبل از ذهاب حمرة مغریه اقامه می فرمودند.

ادامه روایات را فردا بیان خواهیم کرد.

^۷ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۳۵، أبواب المواقیف، باب ۱۷، ح ۱۱، ط الإسلامیة.

^۸ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۴۸، أبواب المواقیف، باب ۲۲، ح ۳، ط الإسلامیة.